

درمان فقر در شیلی

تدابیر فوق لیبرالی به ویژه دخالت دولت موجب کاهش فقر شده است اما هنوز نابرابری بیداد می‌کند.

مهمی را به مردم نوید داد. پاتریسیو آیلواین که در انتخابات ۱۹۸۹ به ریاست جمهوری رسید و ادواردو فرای که از ۱۹۹۸ جانشین او شده است، اقداماتی را برای کاهش فقر و مبارزه با پیامدهای منفی الگوی فوق لیبرالی به عمل آوردند. ضمناً روند رشد اقتصادی با نرخ سالانه‌ای معادل هفت درصد بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷ تا سال گذشته (۱۹۹۸) که تحت تأثیر بحران اقتصادی آسیا از سرعت آن کاسته شد ادامه یافت.

در ۱۹۹۶، هفتاد و یک درصد کل بودجه دولت صرف بخش‌های اجتماعی شد و حداقل دستمزد واقعی بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ تا پنجاه و پنج درصد رشد کرد اما این مقدار رشد بیش از رشد بهره‌وری نیروی انسانی بود. موسسات اقتصادی برای مشارکت در تأمین هزینه این

«پسران شیکاگو» رونق استثنایی در اقتصاد و کاهش خود به خودی فقر را وعده داده بودند اما عملی شدن وعده دوم آنها باکندی بسیار همراه بوده است.

اقدام چشمگیر فرا خوانده شدند. آنها با پرداخت مالیات بر سودهای کلان حاصل از این مشارکت چندان مخالفت نکردند. به هر حال بستن مالیات بردارایی‌ها به این علت که شدیداً اعتراض برانگیز بود، اقدامی کاملاً مردود تلقی می‌شدند. همزمان با این اقدام برای باز توزیع ثروت به عنوان بخشی از برنامه «توسعه عادلانه» رئیس جمهوری برنامه‌هایی تشویقی برای ایجاد مؤسسات تجاری به اجرا درآمد. به خدمات عمومی مانند برق، تلفن، آب آشامیدنی و آموزش بزرگسالان یارانه و امکانات دولتی تعلق گرفت. برنامه‌هایی نیز برای اعزام متخصصان جوان به مناطق محروم برای پیشبرد توسعه به وسیله نیروی کار محلی تهیه شد. صندوق همبستگی و سرمایه‌گذاری اجتماعی (FosIs) نیز در این زمینه سهمی شایان توجه داشته است؛ این صندوق که هفت سال از تشکیل آن می‌گذرد هزینه بیش از ۱۸۰۰۰ برنامه تولیدی را که توسط خانواده‌های روستایی، ماهیگیران، گروه‌هایی از سرخپوستان و مؤسسات کوچک در دست اجراست، تأمین می‌کند. صندوق همچنین بودجه برنامه‌های آموزشی را در این زمینه در اختیار دارد.

اما هنوز یک معضل اجتماعی هست که شیلی تاکنون موفق به حل آن نشده است: فاصله بین فقرا و ثروتمندان. بانک جهانی اخیراً در گزارشی اعلام کرده است که شیلی در زمره ده کشور اول جهان است که در آنها نابرابری بسیار شدید است. درآمد ده درصد ثروتمندترین مردم آن کشور، سی برابر بیشتر از درآمد ده درصد فقیرترین آنهاست. این شکاف عظیم به رغم پیشرفت‌های چشمگیر شیلی در مبارزه با فقر، همچنان تهدیدکننده است. ■

شیلی تنها کشور آمریکای لاتین است که توانسته طی دهه گذشته فقر را به گونه‌ای چشمگیر کاهش دهد. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین که در سانتیاگو پایتخت شیلی تأسیس شده، اعلام کرده است روند کاهش فقر در سال پیش از بازگشت دموکراسی یعنی ۱۹۸۷ و در دوران حکومت دیکتاتوری پینوشه شروع شده است. در آن سال ۳۹ درصد مردم شیلی زیر خط فقر قرار داشتند اما این مقدار تا ۱۹۹۶ تقریباً به نصف یعنی ۲۰ درصد کاهش یافت. به گفته ادواردو فرای رئیس جمهوری شیلی دو میلیون نفر از جمعیت ۱۴/۵ میلیونی این کشور از فقر خارج شده‌اند و شدت فقر عمومی به نصف رسیده است. به نظر می‌رسد که سه عامل عمده سبب این کاهش بوده است. رشد اقتصادی پیوسته، افزایش خدمات عمومی و اجرای برنامه‌های متعدد ایجاد اشتغال. هر یک از جناح‌های سیاسی افتخار این دستاورد را به خود نسبت می‌دهد. جناح راست با اشاره به اینکه روند کاهش فقر از اواخر حکومت نظامیان آغاز شده بود، تأکید می‌کند که این روند تا حد زیادی نتیجه سیاست اقتصادی فوق لیبرالی است که از ۱۹۷۸ اجرا شده است.

ژنرال اگوستو پینوشه از کارشناسان مالی مکتب شیکاگو (پیروان بیلتون فریدمن) کمک گرفت و شیلی نخستین کشور آمریکای لاتین شد که به آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و گشودن بازار و کاهش مالیات روی آورد. تورم مهار شد، روند رشد از سر گرفته شد و سرمایه‌گذاران خارجی به شیلی که در اواخر دهه هشتاد به یوزپلنگ جنوب شهرت یافته بود، سرازیر شدند. «پسران شیکاگو» (پیروان مکتب شیکاگو) رونق استثنایی در اقتصاد و کاهش خود به خود فقر را وعده داده بودند اما عملی شدن وعده دوم آنها باکندی بسیار همراه بوده است. در پی افزایش اعتراضات مردمی و با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ حکومت اصلاحات اجتماعی

هر سال حدود

دوازده میلیون کودک

در جهان پیش از رسیدن

به سن پنج سالگی

می‌میرند.

غذاخوری رایگان در سانتیاگو، شیلی

